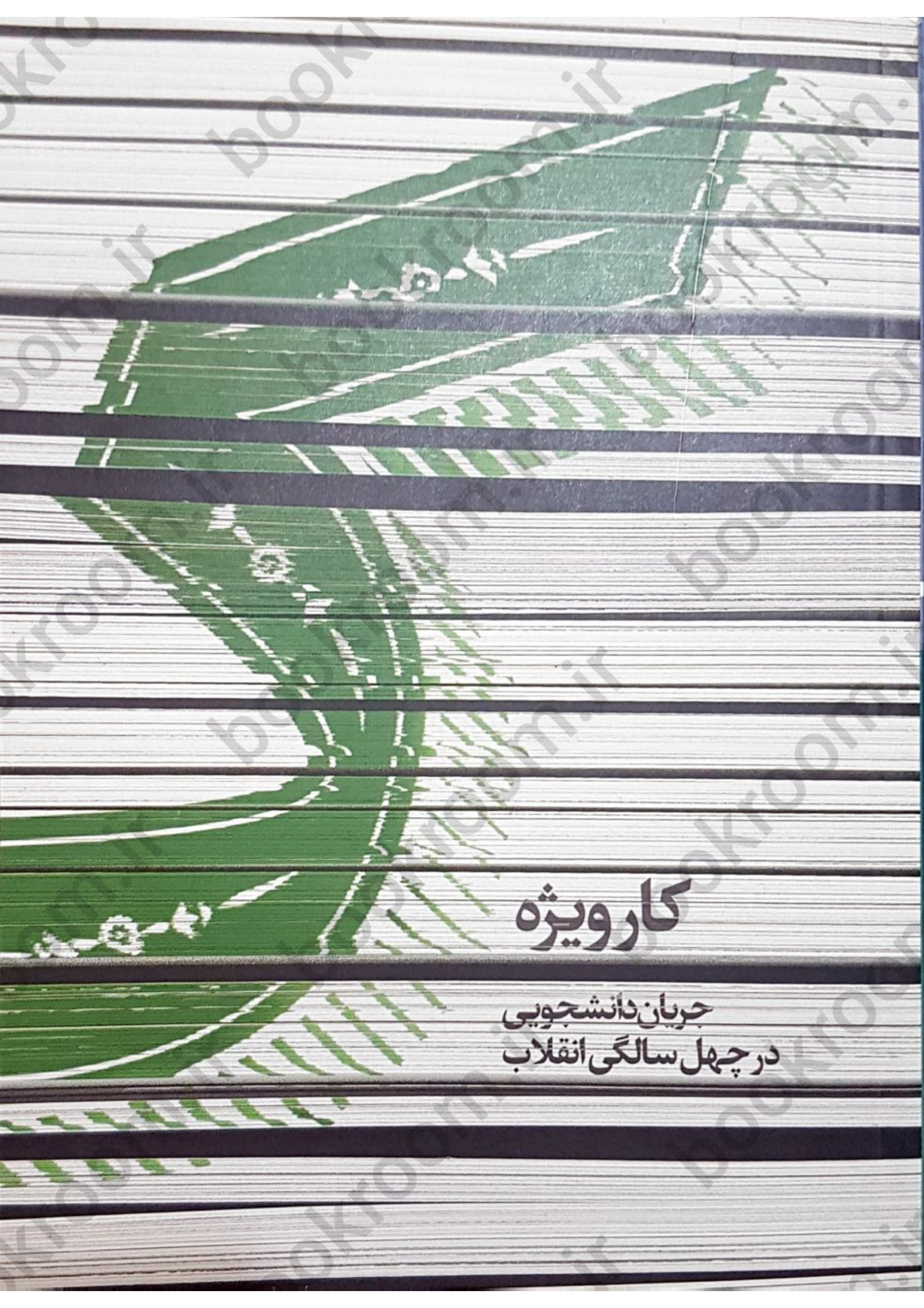




کار ویژه

جریان دانشجویی
در چهل سالگی انقلاب

«کارویژه جریان دانشجویی در چهل سالگی انقلاب»

راضیه ادیبی و جمعی از نویسندگان

این کتاب در راستای اعتلای نقش آفرینی بسیج دانشجویی به سمت چرخه کامل مأموریت حل مسائل جامعه، با تمرکز بر گفتمان سازی و مطالبه‌گری به منظور تصمیم‌سازی و معاضدت مسئولین تدوین گردیده است.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ
فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ
(سوره مبارکه صف آیه ۴)

برای آنان که صفوف مجاهدت شان،
صفوف مشکلات را درهم می شکند
به قدرتمندان بی قدرت
به اثرگذاران بی سمت
به دانش جو جماعت

فهرست

فهرست

بخش اول: جهاد علمی و تشکل دانشجویی

مقدمه

۱۷

فصل اول: علل تاریخی عقب ماندگی علمی ایران

۲۳

۱. تلاش ها برای جداسازی علم از دین

۲۵

الف. اولین جلوه های علم در جهان از طرف مذهبی ها بوده است

۲۵

ب. در زمان قرون وسطا، مسلمانان در اوج شکوفایی بودند

۲۶

ج. تاریخ هزارساله کشور ما، نشانگر همراهی همیشگی علم و دین است

۲۷

د. غربی ها نیز به جلو بودن مسلمانان در عرصه علمی معترف اند

۲۸

أ. هدف غربی ها از ترویج جدایی علم و دین در کشورهای مسلمان

۲۸

۲. ترفندهای غربی ها، برای سلطه علمی بر جهان

۲۹

الف. ترفند اول تسخیر ملت ها از طریق تثبیت عقب ماندگی همیشگی

۲۹

و گرفتن اراده مبارزه از آن ها است

ب. ترفند دوم القای «نمی توانید» از طریق دروغی تاریخی است که علم

۳۰

در تمام طول تاریخ تنها و تنها در نزد آن ها بوده است

ج. ترفند سوم صادرات محصولات نهایی علمی و فناوری ها، برای جلوگیری

۳۱

از پیشرفت علمی و تولید فناوری در داخل کشورهاست

د. ترفند چهارم در دسترس قرار دادن «علوم از رده خارج و غیردسته اول» برای سایر ملت ها است

۳۲

۳. نقش روشنفکران ما در عقب ماندگی علمی کشور

۳۲

الف. اولین کار روشنفکران ما، القای بی ارزشی و خودباختگی به ملت است

۳۳

ب. دومین کار روشنفکران ما، القای ترس و تضعیف روحیه هاست

۳۳

ج. سومین کار روشنفکران ما، ترویج باور «مانمی توانیم» است

۳۴

د. فروختن شرف و هویت ملت در ازای هیچ!

۳۴

فصل دوم: ضرورت و اولویت جهاد علمی

۳۷

۱. تنها راه رسیدن به «اقتدار» جهاد علمی است

۳۹

الف. در منطق حضرت امیر (ع) علم عامل اقتدار است

۳۹

ب. استقلال سیاسی و عزت و شرف کشور، بدون علم ممکن نیست	۴۰
ج. اگر علم نداشته باشیم، چاقوکش های دنیا بر ما مسلط می شوند	۴۰
د. علم عامل پیشرفت و اقتدار پایدار و تمام ناشدنی است	۴۰
ه. اگر علم نباشد، هیچ چیز نداریم	۴۱
و. امنیت بلند مدت کشور به علم وابسته است	۴۱
۲. «مرجعیت» در جهان بدون جهاد علمی ممکن نیست	۴۱
الف. یک تبلیغ بزرگ برای بیدار کردن ملت های جهان	۴۲
ب. حیات آینده امت اسلامی و دنیای اسلام به حرکت علمی ما وابسته است	۴۲
ج. بدون علم، نمی توان روی بشریت اثر گذاشت	۴۲
د. علم باعث می شود آرمان ها و ارزش های ما منتقل شود	۴۳
ه. جهت اثرگذاری فرهنگی را علم و فناوری تعیین می کند	۴۳
و. عامل اصلی برای برهم زدن نظام سلطه علم است	۴۳
ز. مرجعیت در گرو پیشرفت است	۴۴
ح. تنها با علم می توان به تمدن اسلامی رسید؛ سخت افزار تمدن اسلامی علم است	۴۴
۳. تحقق «اقتدار» و «مرجعیت» علمی، کار ویژه دانشگاه، دانشجو و تشکلهای دانشجویی	۴۵
الف. تأمین رفاه و عزت و استقلال کشور فلسفه وجودی و رسالت تاریخی دانشگاه است	۴۵
ب. کار علمی و وظیفه شرعی و اجتماعی دانشجو است	۴۶
ج. یکی از آرمان های دانشجویی مسئله علم است	۴۶
۴. برکات کار علمی	۴۷
الف. ایجاد ظرفیت عظیم برای نیروی انسانی	۴۷
ب. تربیت نیروی متعهد و متخصص	۴۷
ج. تغییر فضای علمی و پمپاژ روحیه و امید به دانشگاه	۴۸
د. کار علمی این زمان، کمک به پیدا کردن حوزه تخصصی در آینده	۴۸
فصل سوم: مدل سازی جهاد علمی ناظر بر تشکلهای دانشجویی	۴۹
۱. آشنایی نگاه هادرباره کار علمی تشکلهای دانشجویی	۵۰
۲. الگوی مطلوب کار علمی تشکلهای دانشجویی	۵۱
فصل چهارم: گام های عملی مواجهه تخصصی با مسائل کشور	۵۹
۱. تشکیل تیم حول موضوع یا حوزه تخصصی	۶۱

- ۱-۱ اولین قدم، وجود فرد محوری است
- ۱-۲ نیروی انسانی سیال دانشجویی باید مدیریت شود
- ۱-۳ دغدغه مند کردن افراد، بسیار مؤثر است
- ۱-۴ تیم سازی نیازی به اساسنامه و... ندارد
- ۱-۵ مطالب مرتبط به درس ها نیروها را جذب می کند
- ۱-۶ تیم باید تدریجاً توسعه یابد
- ۱-۷ تناوب جلسات مهم است
- ۱-۸ نقش هیئت علمی ها باید مشورتی باشد
- ۱-۹ تمرکز کردن روی موضوع، عامل اصلی موفقیت است
- ۱-۱۰ فرصت برابر برای همه دانشجو ها
۲. کسب تحلیل کلان از رشته و حوزه تخصصی و شناخت مسائل
اجمالی از روش های اجرایی برای کسب شناخت و دید کلان
- الف. برگزاری جلسات منظم فکر و نقد
- ب. دعوت افراد عمیق و متخصص در موضوع برای ارائه مطلب
- پ. خوب درس خواندن
- ج. برگزاری بازدید های هدفمند با حضور راهنمای متبحر
- د. رصد اتفاقات و تحولات حوزه تخصصی
- ه. تهیه لیست اولویت های حوزه تخصصی
- ۳ و ۴. انتخاب مسئله و تسلط بر آن و رسیدن به محتوای قابل پیگیری
۵. مطالبه گری تخصصی و گفتمان سازی عمومی
- ابزار های مطالبه گری و گفتمان سازی
- الف. دعوت مسئولین به دانشگاه برای شنیدن حرف های دانشجویان
- ب. فضا سازی رسانه ای
- ج. برگزاری برنامه های دانشگاهی و علنی
- د. تجمع، تحصن و...
- ه. انتشار نشریه و تولید محصولات فرهنگی
- ملاحظات مطالبه گری و گفتمان سازی
- الف. تفاوت سؤال پرسیدن و قضاوت کردن

۶۲

۶۲

۶۳

۶۳

۶۴

۶۴

۶۴

۶۴

۶۵

۶۵

۶۵

۶۷

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۰

۷۰

۷۱

۷۲

۷۵

۷۵

۷۶

۷۶

۷۶

۷۷

۷۸

۷۸

ب. تکمیل نکردن پازل دشمن	۷۸
ج. طرح سؤال تبدیل به معارضة نشود	۷۹
۶. پیگیری حل مسئله	۷۹
فصل پنجم: گام‌های عملی جنبش نرم‌افزاری	۸۱
چرا فرهنگ‌سازی حائز اهمیت است؟	۸۴
چه محورهایی باید در فرهنگ‌سازی مدنظر باشد؟	۸۵
الف. گسترش روحیه علمی و علاقه به تحقیق	۸۵
ب. به وجود آوردن هویت علمی	۸۶
ج. تبیین جایگاه کار علمی در اقتدار کشور	۸۶
د. ارتقای جرأت علمی و رفتن مسیرهای جدید	۸۷
ه. گسترش امید به آینده و نشاط و پویایی در میان جوانان	۸۷
و. به وجود آوردن نگاه تمدنی و روحیه جهادی در عرصه علمی	۸۸
ز. به وجود آوردن و گسترش روحیه بدهکاری به کشور	۸۹
برای فرهنگ‌سازی چه ابزارها یا ایده‌هایی وجود دارد؟	۹۰
الف. اطلاع‌رسانی مؤثر پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور	۹۰
ب. تکریم علم و عالم	۹۳
ج. معرفی الگوهای موفق	۹۳
فصل ششم: نکات تکمیلی و پاسخ به پرسش‌های پرتکرار	۹۵
۱. سازمان دهی واحد علمی در تشکلهای	۹۶
۲. نسبت کار دانشجویی و کار حرفه‌ای	۹۸
۳. پاسخ به شبهات رایج «مانمی توانیم»	۹۹
پول نداریم که کار کنیم!	۹۹
نیرو نداریم که کار کنیم!	۱۰۰
ایده نداریم! نمی‌دانیم باید چه کنیم!	۱۰۰
بنیه علمی مان ضعیف است!	۱۰۱
دون شأن انقلابی‌گری است!	۱۰۱
حوصله کار بلندمدت نیست!	۱۰۲

فصل هفتم: بازخوانی دوباره مأموریت در علوم انسانی

۱۰۳	فعالیت علمی از تعریف مسئله آغاز می شود.
۱۰۴	«مدیریت» مسئله یا «حل» مسئله؟
۱۰۵	دسته بندی انواع مسائل
۱۰۶	مسائل عملی
۱۰۶	مسائل نظری
۱۰۷	نسبت دو جنس مسئله
۱۰۷	مأموریت کلان تشکل های دانشجویی
۱۰۹	شاخص انتخاب مسئله نظری یا عملی؟
۱۰۹	مرحله نخست: فرایند یافتن مسئله
۱۱۰	تربیت معرفتی
۱۱۰	تربیت غیر معرفتی
۱۱۱	مرحله دوم: پرداختن به مسئله

فصل هشتم: الزامات کنشگری در عرصه جهاد علمی

۱۱۵	۱. بصیرت دینی
۱۱۶	الف. علم باید با ایمان و روشنفکری هماهنگ باشد
۱۱۶	ب. ایمان باید بر کار علمی تسلط داشته باشد
۱۱۷	ج. اسلام علم را با ایمان می خواهد
۱۱۷	د. بد است که متخصص مآقرآن را هر روز نخواند
۱۱۸	ه. طالب علم به پارسایی نیاز دارد
۱۱۸	۲. سخت کوشی
۱۱۹	الف. تنبلی علم را ضایع می کند
۱۱۹	ب. نگذارید تنبلی شما را وسوسه کند
۱۲۰	ج. اینکه غرب برای ما می سازد، سروری است یا تنبلی؟
۱۲۰	د. نباید به دستاوردهای کنونی قانع شد
۱۲۱	ه. می توانیم، اما تلاش لازم دارد!
۱۲۱	۳. خودباوری و امید به آینده
۱۲۱	الف. بزرگ ترین عید برای ما، روز خودباوری جوان هاست

ب. اساسی ترین قضیه امید است	۱۲۲
ج. دنباله روی محض پیراهه است	۱۲۲
د. خودکم بینی ممنوع!	۱۲۳
۴. روحیه انقلابی	۱۲۴
الف. دستگاه علمی کشور باید انقلابی جلو برود	۱۲۴
ب. فضای انقلابی، لازمه درس و تحقیق	۱۲۴
ج. کار علمی روحیه انقلابی می خواهد، نه پول	۱۲۴
د. رشد علمی به تنهایی ارزشی ندارد	۱۲۵
۵. آزاداندیشی و نواندیشی	۱۲۶
الف. نواندیشی و نوآوری، وظیفه آرمانی محیط علمی	۱۲۶
ب. حقیقتاً به آزاداندیشی نیاز داریم	۱۲۶
ج. آزاداندیشی مقدمه ای برای بارور شدن علم	۱۲۶
د. کلید تولید علم دینی	۱۲۷
۶. نداشتن چشم داشت مادی	۱۲۷
الف. کار علمی با پول موازنه نشود	۱۲۷
ب. مهم ترین پیشرفت های بشر مابه ازای مادی نداشته است	۱۲۸
ج. کار علمی برای پول درآوردن جزء فرهنگ اسلامی نیست	۱۲۸
۷. توجه به مقوله درس خواندن	۱۲۸
الف. بی اعتنائی به برنامه های درسی پذیرفته نیست	۱۲۸
ب. درس خواندن یک فریضه است	۱۲۹
ج. علمی که عبادت می شود	۱۲۹
د. سروکار داشتن با کتاب، لازمه کار علمی	۱۳۰
بخش دوم: رویکرد مسئله محوری و کنشگری خلاق	
الف. فرهنگ مدل	۱۳۶
۱- مسئله محوری	۱۳۷
۱-۱ اما مسئله چه چیزی نیست و چه چیزی هست؟	۱۳۹
مسئله مشکل نیست	۱۳۹
مسئله موضوع نیست	۱۴۱

مسئله، آرمان نیست	۱۴۱
۱-۲ ثمرات مسئله محوری:	۱۴۳
تمرکز	۱۴۳
عمیق شدن و به تشخیص رسیدن	۱۴۴
ایجاد امکان گفتگو	۱۴۵
ایجاد امکان پیگیری	۱۴۵
۲. اجتماعی شدن	۱۴۵
۳. کنشگری خلاق	۱۴۷
۴. فراگیری	۱۴۹
ب. ساختار مدل	۱۵۰
۱- رسیدن به مسئله	۱۵۱
۱-۱ مواجهه با سؤال	۱۵۱
۱-۲ درونی کردن سؤال	۱۵۲
۱-۳ تعمیق سؤال	۱۵۳
۱-۴ چالش های علت یابی	۱۵۳
۱-۵ شناخت اولویت ها	۱۵۵
۱-۶ تفریط کامل گرایی و افراط شتاب در اقدام	۱۵۶
۲. پرداختن به مسئله	۱۵۸
۲-۱ گفتمان سازی	۱۵۹
۲-۲ مطالبه گری	۱۶۱
۲-۳ نسبت مطالبه گری و گفتمان سازی	۱۶۳
ج. عملکرد مدل	۱۶۴
سخن آخر	۱۶۷

■ کتابی که پیش روی شماست، از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش نخست مربوط به کتابی با عنوان «جهاد علمی و نقش شکل های دانشجویی» با اندکی تلخیص و ویرایش است که در سال ۱۳۹۳ تألیف شد و بیش از چهار سال در مجامع دانشجویی و در دانشگاه های سراسر کشور به بحث گزارد شده و جنبش ها و حرکت های گوناگونی حول آن شکل گرفت؛^۱ بخش دوم کتاب، نسخه به روز شده و اصلاح شده گفتمان محوری کتاب جهاد علمی پس از کنش چهارساله حول آن است که به دلیل ضرورت تاکید بر یک نکته مهم و راهبردی، به صورت موازی در کنار نسخه قدیمی، پیش روی شما قرار گرفته است.

■ آن نکته مهم یک مدعای مشخص و صریح است و آن اینکه در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی تنها مدل ها و الگوهایی حق بروز و عرضه دارند که نسخ به روز شده و اصلاح شده چیزی باشند که چند سالی در بوتۀ عمل و در میدان واقعی به نقد گزارده شده باشند. به عبارت ساده تر، دیگر جایی برای ارائه مدل ها و رویکردهای انتزاعی محض و شبه فانتزی و دور از واقعیت جامعه وجود ندارد.

■ آنچه امروز کارویژه جریان دانشجویی در چهل سالگی نامیده شده است، محصول

۱. برای اطلاع از برخی از تلاش ها و جنبش های دانشجویی و اجتماعی صورت گرفته حول گفتمان کتاب جهاد علمی می توانید به جلد های چهارم و پنجم از مجموعه کنشگر مراجعه فرمایید.

چنین فرایندی است. الگویی به اقتضای نیاز آن روز (سال ۹۲-۹۳) و براساس تجربیات میدانی، مصاحبه با خبرگان و جلسات جمع‌اندیشی گسترده تدوین گردید و در پهنه کشور به بوته نقد و اجرا گزارد شد و آرام‌آرام عیوب آن کشف و تلاش‌ها بر اصلاح و نوسازی آن متمرکز گردید. این مسیر بیش از چهار سال تکرار شد تا آنچه امروز در پیش روی شما قرار گرفته است، گفتمانی فراتر از کنش ذهنی چند نویسنده و بلکه نسخه‌ای باشد که پشتوانه تجربی و جهادگونه شکل‌ها و جریانات دانشجویی متعدد حامی آن است؛ و البته که این مسیر باید مجدداً تکرار شود.

■ لذا این یک اصل راهبردی و مهم است که تلاش کنیم محتواهای تولیدی از بسته‌های ایستا و یکتا، به نسخه‌های تکمیل‌شونده و به‌روزشونده دائمی تبدیل شوند. این مجموعه تلاش کوچکی در این راستاست.

■ در تمایزاتی که به جهت رویکردی و ساختاری بین بخش اول و دوم کتاب وجود دارد، تصریح چند نکته ضروری است؛ اولاً در رویکرد قبلی، که در بخش اول تقریباً بدون تغییر آورده شده است، مباحث از دیدگاه و موقعیت «علمی» مورد کنکاش قرار گرفته بود، اما در رویکرد جدید (بخش دوم) محتوای مدنظر از کنشگری علمی به کنشگری عام و بدون عرصه گسترش یافته است و مدعای آن را دارد که پیشنهادی برای تمامی فعالیت‌ها و کنشگری‌های جریان دانشجویی و بلکه هر کنشگر اجتماعی دیگر ارائه کرده است؛ ثانیاً در رویکرد قبلی (بخش نخست) دیدگاه فرایندی حاکم بود و سعی می‌شد که با تدقیق گام‌به‌گام، عملیاتی و چارت‌وار، خواننده (کنشگر) به دستورالعملی دست یابد که بدون نیاز به صرف هزینه گزاف بتواند به کنشگری مدنظر اقدام کند و مسیر پیش‌روی وی، تا جای ممکن، شفاف و روان ترسیم شود. در رویکرد جدید (بخش دوم) دیدگاه فرایندمحور گام‌به‌گام، جای خود را به مؤلفه‌های گفتمانی‌تر و محتوایی‌تر داده و سهم قدم‌های عملیاتی و مشخص در نقشه اقدام به شدت کاهش یافته و در مقابل تلاش شده رنگ جدیدی به فعالیت‌ها داده شود و تلاش بیشتری برای دوری از استانداردسازی و تقویت نگاه‌های اقتضائی، بومی و خلاق به کار گرفته شود؛ ثالثاً در نسخه جدید (بخش دوم) بیشتر، صریح‌تر و بی‌پرده‌تر به دال مرکزی گفتمانی نزدیک شده‌ایم که به اعتقاد مؤلفان، علاج روحیه خموده و منفعل فعلی در مجموعه کنشگران

متعهد به انقلاب اسلامی است. ما به اقتضای توسعه قدرت گفتمانی خود توانستیم این بار صریح‌تر از آن سخن بگوییم و امیدواریم در آینده‌ای نه‌چندان دور با فراهم شدن مقدمات، بتوانیم از این هم نزدیک‌تر شده و به ریشه‌ها و علل وضع کنونی برسیم.

■ بخش دوم این اثر مرهون تلاش‌های چندساله قرارگاه شهید احمدی روشن، متعلق به سازمان بسیج دانشجویی و به مدیریت آقای محمد مهدی فردحسینی و همراهی خواهران و برادران فکور و تلاش‌گری است که اگر نبودند این اثر تولید نمی‌شد. لذا از همه آن‌ها صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم که من لم یشکر المنعم من المخلوقین، لم یشکر الله عز و جل. والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله.

معاونت گفتمان‌سازی و مطالبه‌گری

بخش اول

جهاد علمی
و
تشکل دانشجویی

فصل اول:

■ علل تاریخی عقب ماندگی
علمی ایران

■ تاریخ هر کشوریکی از بدیهی‌ترین مؤلفه‌های هویتی آن کشور و آن ملت است. برای احیا و رشد هویت ملی دانستن تاریخ و تسلط بر آن امری ضروری است. برای درک نقاط قوت و ضعف کشور در حوزه علم و مسائل مرتبط با آن نیز دانستن تاریخ علم کشور و دوران اوج و زوال آن لازم است. علت بسیاری از عدم خودباوری‌ها، ندیدن گذشته پرافتخار علمی کشور است که البته در کنار ضعف‌ها و عقب ماندگی‌ها باید آن را دید.

بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز درصدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این کار ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها آن قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی‌ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دل‌ها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید. مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله، من عرض می‌کنم می‌شود. شما همت کنید، پنجاه سال دیگر این‌طوری شود. البته این چیزها در کوتاه مدت اتفاق نمی‌افتد، اما اگر شما امروز در راه درست قدم بردارید، هیچ اشکالی ندارد که پنجاه سال دیگر، جهت اتوبان علم - که امروز یک طرفه و از یک سوبه سوی دیگر است - یا دوطرفه شود، یا یک طرفه و از این سوبه آن سو شود؛ چه مانعی دارد؟ مگر یک روز این‌طور نبود؟ یک روز علم را غربی‌ها از شرق و از همین ایران گرفتند. پایه‌گذار بسیاری از علومی

که امروز در دنیا رایج است، ایرانی‌ها هستند. در ریاضی، فیزیک، پزشکی، نجوم و بسیاری از علوم دیگر، ایرانی‌ها پایه‌گذار بودند. اصلاً رنسانس اروپا براساس ترجمه‌هایی که در کشورها و مناطق اسلامی انجام گرفته بود، صورت گرفت. ما می‌توانیم این را تصور کنیم که یک روز ایران تولیدکننده خلاق علم شود.^۱

■ در این فصل، ابتدا تلاش‌ها برای جداکردن علم از دین به عنوان ریشه تاریخی این عقب‌ماندگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس نقش غربی‌ها در این عقب‌ماندگی تاریخی تشریح می‌گردد و در انتها نیز به نقش روشنفکران غرب‌زده داخلی در این عقب‌ماندگی چند ده ساله اشاره می‌گردد.

۱. تلاش‌ها برای جداسازی علم از دین

■ جداکردن علم از دین، خط اصلی غربی‌ها و دل‌بستگان داخلی آن‌هاست. امروزه نیز برخی روشنفکران وطنی و اساتید دانشگاهی معتقدند آب علم و دین در یک جوی نمی‌رود و اساساً علت ضعف علمی کشور، ارزش‌ها و منطق دینی است. در این بخش از کتاب، بررسی تاریخ علم و دین با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری نشان داده می‌شود که اتفاقاً دین و علم نه تنها دو مؤلفه ناسازگار با یکدیگر نبوده، بلکه مقوم یکدیگر هستند.

الف. اولین جلوه‌های علم در جهان از طرف مذهبی‌ها بوده است

■ یکی از شگردهای غربی‌ها برای نشان دادن جدایی علم از دین، بزرگ‌نمایی دانشمندان بی‌دین یا ضد دین است، اما بررسی دقیق تاریخ علم و دین این ادعا را به طور یقین رد می‌کند.

علم و دین چندین قرن با هم توأم بودند. یعنی علما غالباً کسانی بودند که اهل دین بودند و علم دین و علم غیر علوم دینی، با هم مخلوط بود و دست یک دسته از افراد بود. محمد بن زکریای رازی یا ابن سینا فقیه هم بودند، ضمن اینکه یک دانشمند بزرگ هم بودند. دیگران هم همین طور.^۲

۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۱/۷/۳.

۲. در دیدار وزیر بهداشت و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی، ۱۳۶۹/۸/۱.